



هدف نزول قرآن ایجاد جامعه ای سالم و سعادت‌مند است

گزارشگر: قاسمی، علیرضا؛ سخنران: معرفت، محمد هادی
علوم قرآن و حدیث :: گلستان قرآن :: نیمه اول مرداد 1382 - شماره 154
از 34 تا 39
آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/3076>

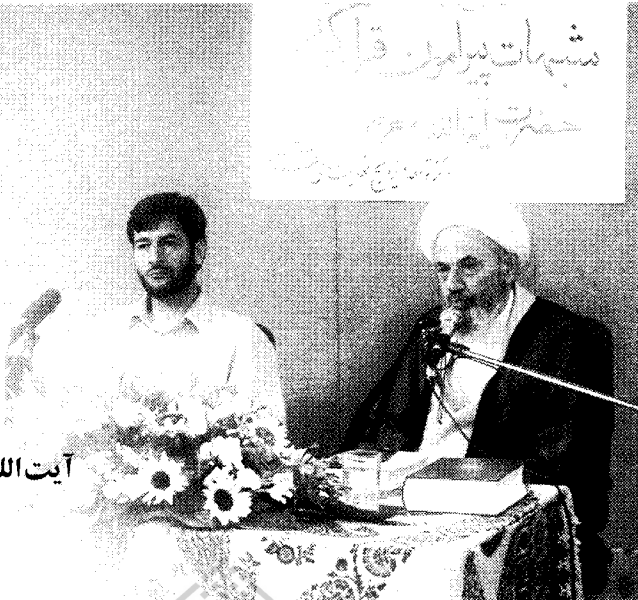
دانلود شده توسط : جعفر رضانی
تاریخ دانلود : 1393/06/04 01:31:29

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com



آیت الله معرفت در نشست پاسخ به شبهات قرآنی:

هدف نزول قرآن

ایجاد جامعه‌ای سالم و سعادتمند است

♦ گزارش: علیرضا قاسمی

اشاره: نخستین نشست از سلسله جلسات قرآن پژوهی که از سوی مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی برگزار می‌شود، چهارشنبه اول تیرماه با حضور آیت الله محمد هادی معرفت و جمعی از شخصیت‌های برجسته قرآنی، در سالن اجتماعات این مرکز برپا شد. در این نشست که با استقبال افشار مختلف و علاقه‌مندان به ساحت مقدس قرآن کریم روبرو شد، آیت الله معرفت، محقق و پژوهشگر علوم قرآنی، استاد برجسته حوزه علمیه قم، در سخنانی پیرامون موضوع «پاسخ به شبهات قرآنی» بر لزوم تدبیر و تدقیق در قرآن کریم تأکید کرد. اجرا و اداره جلسه را نیز دکتر جعفر نکونام، استاد علوم قرآنی دانشگاه قم بر عهده داشت که با سوالات علمی و تحلیلی، بر غنای جلسه افزود. آنچه در ادامه می‌آید، گزارشی مبسوط از این نشست است.

در همه چیز شک می‌کردند و حتی آراء خود را مورد تشکیک قرار می‌دادند. لذا ایشان به عدد کتب خود تحقیق و نظر دارند. یعنی حکم خود را با تحقیق جدید هر سال نو می‌کنند. آیت الله معرفت آنگاه با اشاره به فرهنگ موجود در جامعه مبنی بر تلقی مخاصمه‌جویانه از شبهه تصریح کرد: «این یک تصور نادرست است. با مثالی می‌توانم اهمیت شبهه را روشن کنم.

روزی در جلسه تدریس در قم، در مسجد مرحوم آیت‌الله گلپایگانی، یکی از طلبه‌ها، با طرح شبهه‌ای درباره یکی از کتاب‌های من، گفت در یکی از مطالب کتاب نتیجه‌ای خلاف آنچه در سراسر کتاب گفته‌ای گرفته‌ای. من با کمی تفکر دریافتم که او درست می‌گوید و همان موقع ضمن تماس با چاپخانه درخواست کردم آن قسمت از کتاب را تغییر دهند. شبهه به این معناست که انسان در هر امری تردید حاصل کند. این تردید در مقابل آرامش است. او می‌خواهد که

مفهوم‌شناسی شبهه

بحث پیرامون مفهوم‌شناسی شبهه و معروف یا منکر بودن آن، نخستین سؤالی بود که دکتر جعفر نکونام مطرح ساخت.

آیت الله معرفت در پاسخ به این پرسش گفت: «شبهه، به طور مطلق یکی از نعمت‌های الهی است. اساساً اگر شبهه در کار نبود دانشی هم وجود نمی‌داشت. دانشمند پس از شک به دنبال تحقیق می‌رود. آن کسی که جاهل است، هیچ شک‌ی در کار خود ندارد و همه چیز را درست می‌پندارد. اما عالم همواره یک نگرانی دارد. هر چیز را با دیده تردید می‌نگرد. این چراها خود مبدأ حرکت هر تحقیق علمی است و این منحصر در علوم طبیعی نیست.»

وی افزود: «مطمئن باشید یک فقیه فقط پس از شک در آراء فقهای پیشین به سراغ تحقیق می‌رود. وگرنه مانند بسیاری از فقها، تقلیدگونه عمل می‌کنند. امثال علامه حلی



مسئله برایش روشن شود.

از امام صادق (ع) سؤال کردند که اگر در برخی مسائل برای ما شبهاتی ایجاد شود، چه باید کرد؟ ایشان می‌فرماید شبهه اگر در حد یک شبهه باشد جایز است. اما اگر این شبهه‌ها ما را به جهل رهنمون شوند، اشکال دارد.

لذا عرض می‌کنم اساساً شبهه مایه پیشرفت است و کسی که شبهه نمی‌کند یعنی حرکت علمی در وجود او حالت ایستادگی دارد».

تفاوت ماهوی شبهات قدیم و جدید

تفاوت ماهوی میان شبهات کهن و جدید و سختیت میان اینها از جمله دیگر مباحث این نشست بود که از سوی آیت الله معرفت بررسی شد.

وی در این رابطه گفت:

«شبهات دو نوع هستند. برخی از آنها قدمتی هزار ساله دارند. از این گروه شبهات قدیم مثلاً برخی را مرحوم فخررازی هم در کتب خود مطرح کرده است. کتابی که با عنوان رد المطاعن عن القرآن اثر عبدالجبار معتزلی در آن دوران منتشر شد هم حاوی شبهات قدیمه است.

اما شبهات جدیدی هم وجود دارد. یکی از شبهات جدید در رابطه با منابع قرآن است. قرآن معلومات خود را از کجا گرفته است. خیلی‌ها با طرح این پرسش تلاش می‌کنند قرآن را برگرفته از تورات بدانند.

نوع دیگری از شبهات جدید درباره مسئله ساختار قرآن است؛ و یا ترکیب لفظی و کلامی آن، که آیا متعلق به خداست یا ساخته پیغمبر (ص) می‌باشد. لذا برخی شبهه کرده‌اند که مفاهیم بر پیامبر وارد می‌شده، اما خودش آنها را در قالب الفاظ قرار می‌داده است.

شبهه جدید دیگر در ساختار قرآن، گفتار یا نوشتاری بودن آن است. از این قبیل سوالات تازه فراوان است. لذا «الانتقان فی علوم القرآن» سیوطی با «البرهان فی علوم القرآن» زرکشی متفاوت است. زیرا مسائل زمان این دو نسبت به یکدیگر تفاوت داشته است. خود من پس از چاپ اول کتاب التمهید، در چاپ بعد و چاپ اخیر با توجه به شبهات جدید تغییرات بسیاری ایجاد کرده‌ام».

زمینه‌های ایجاد شبهه

نکونام در بخش دیگری از این نشست با طرح مسئله زمینه‌های ایجاد شبهه گفت: «زمینه‌هایی که در ایجاد شبهه

مؤثر است یکی وجود اخبار ضعیف همچون اسرائیلیات و برخی روایات «موضوع» می‌باشد. زمینه دیگر، از میان رفتن قراین آیات است. در برخی آیات قرآن از آنجا که در عصر نزول همراه با قراین بوده است، اشکال و سؤالی مطرح نبود. اما با گذشت زمان و به طور طبیعی از میان رفتن این قراین، شبهاتی در این رابطه مطرح می‌شود».

نکونام دشواری فهم برخی مسائل از جمله وحی و معاد را از دیگر عوامل ایجاد سوالات پیرامون قرآن دانست. وی افزود: «تناسب پاره‌ای از آیات با مقتضیات عصر نزول، همانند آیات مربوط به برده‌داری، ظهار و ایلاء می‌تواند این شبهه را ایجاد کند که قرآن نمی‌تواند پاسخگوی همه اعصار باشد».

نبودن آیاتی در قرآن در خصوص مسائل مستحدثه همچون بیمه و تملیح خارج از رحم نیز از دیگر زمینه‌های ایجاد شبهه است که نکونام به آنها اشاره کرد. این استاد دانشگاه ادامه داد: «علت اصلی به وجود آمدن شبهه، مواجهه با تعارض است که این تعارض یا میان آیات و روایات است و یا میان خود آیات قرآن و یا میان معارف بشری با قرآن».

آیت الله معرفت در پاسخ به این مباحث گفت: «زمینه‌های ایجاد شبهه را باید به دو گروه داخلی و خارجی تقسیم کرد. زمینه‌های خارجی از آنجا نشأت می‌گیرد که اساساً قرآن را به عنوان وحی آسمانی نمی‌پذیرند و آن را ساخته پیغمبر می‌دانند. وقتی نظرات مستشرقین نسبت به قرآن را ببینید، ابتدا وصف کاملی از شخص پیغمبر ارائه می‌دهند؛ از ذکاوت، نبوغ و قدرت فکری او می‌گویند و از این لحاظ، او را ارتقاء می‌دهند، آنها هدفشان این است که بگویند در آن جامعه عقب افتاده این شخص توانسته با عقل و ذکاوتش بهترین سخنان و مفاهیم را انتخاب کند و در قالب قرآن ارائه نماید. یعنی مطالب بلندی که در قرآن است ناشی از نبوغ پیغمبر اکرم (ص) می‌باشد. برای اینکه چنین مسئله‌ای را اثبات کنند، زمینه شبهه را فراهم می‌آورند. مثلاً می‌گویند در قرآن چیزهایی وجود دارد که با علم قابل تطبیق نیست و با تاریخ تطابق ندارد. آن وقت می‌گویند این تخالف با واقعیات و تاریخ در قرآن، نمی‌تواند وحی باشد زیرا اگر وحی بود و متعلق به خداوند، خالی از اشتباه می‌بود. لذا اشتباهات قرآن مربوط به پیغمبر می‌شود».

ایجاد شبهات داخلی

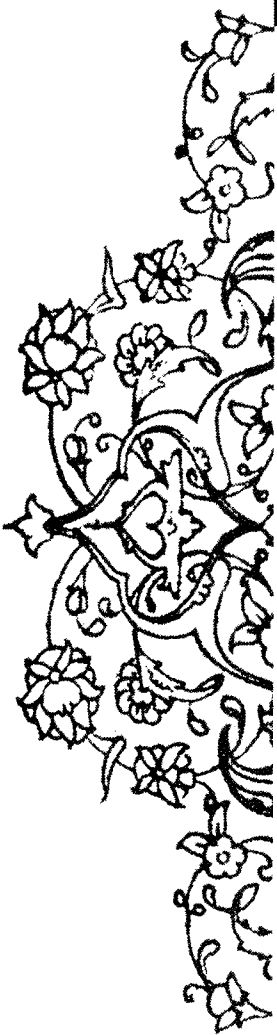
به این دلیل است که

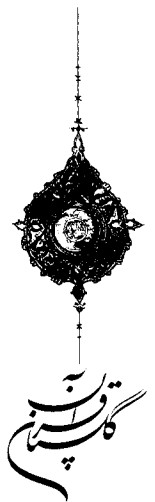
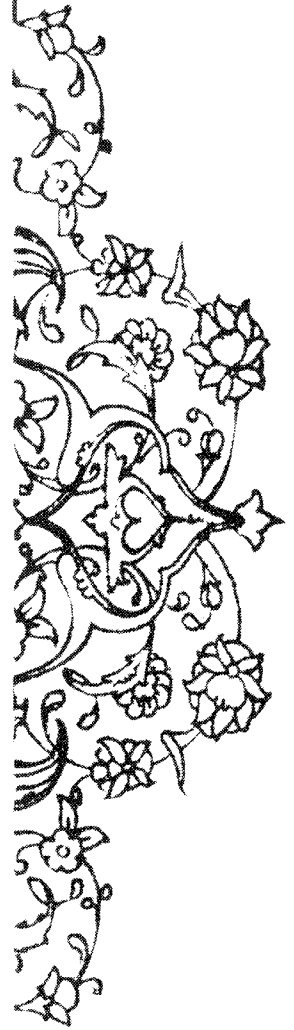
برداشت‌های ما از

قرآن همگام با پیشرفت

علوم جلو نرفته و با آن

تطابق ندارد.





مثالی که می‌زنم از دایرةالمعارف بریتانیا است. در اینجا در رابطه با اصحاب کهف می‌گوید آن طور که تاریخ ضبط کرده است آنها همعصر دقیانوس بودند که تقریباً نزدیک به صد سال می‌شد که آن جوانان ایمان آورده بودند. زمان پادشاه دوم که از کوه پایین آمدند و همه مردم مسیحی شده بودند، در تاریخ مضبوط است. فاصله میان آن پادشاه ملحد

اول و این مؤمن دوم، دویست سال است. ولی قرآن می‌گوید ۳۰۹ سال خواب بوده‌اند. البته ۳۰۹ سال به حساب قمری ۳۰۰ سال شمسی می‌شود. آنها همین مطالب را در دایرةالمعارف می‌گویند و رد می‌شوند. شما هم به عنوان یک مسلمان، با نگاه به دایرةالمعارف، این اشکال را می‌بینید و برایتان شک ایجاد می‌شود.

اما این شبهه دو پاسخ دارد. جواب اول این است که این آیه «وینوای فی کهفهم ثلاث مائة سنین و ازدادوا

تسعاً» این کلام خداوند نیست بلکه باری تعالی نقل سخن دیگران می‌کند. در آیات قبل می‌گوید «سقولون ثلثة رابعهم کلبهم و یقولون خمسہ...» تا می‌رسد به «ربی اعلم بعدتہم...» بعد دوباره راجع به مدت سال باز هم همان یقولون را می‌آورد. قرآن وقتی که قضایای تاریخی را نقل می‌کند به سه عنصر اساسی زمان، مکان و قهرمان آن توجه می‌کند و هر بار یکی از آن مسائل را برجسته می‌سازد.

گاهی قهرمان قصه مورد توجه است. لذا به زمان و مکان توجه چندانی نمی‌کند. اساساً قرآن در حوادث تاریخی، زمان را به دلیل اختلاف موجود بین مورخان مشخص نمی‌کند. قرآن هدفش از ذکر قصص و داستان‌ها، مفاهیم و عبرت‌های آنهاست و خیلی به دنبال این نیست که زمانش را مشخص کند. نقل قول بودن این آیه را ابن عباس هم تصریح می‌کند. اما جواب دوم این که باید توجه کرد قصه اصحاب کهف متعلق به یهودیان است و یا مسیحیان. وقتی به تاریخ و تفاسیر قدما رجوع کنیم می‌بینیم علت طرح مسئله اصحاب کهف در قرآن، یهودیان بوده‌اند. زیرا بزرگان قریش پس از برانگیخته شدن پیغمبر (ص)، خود به تحقیق بر روی سخنان او پرداختند. پس ۳ نفر از آنان به مدینه سراغ اخبار یهود رفتند تا بپرسند که آیا آنان از ظهور نبی مکرم اسلام اطلاعاتی دارند یا خیر. اخبار یهود سه سؤال را مطرح کردند تا قریش آنها را از حضرت محمد (ص) سؤال نمایند. بدین منظور که اگر به

دو سؤالش، جواب درست و به یکی جواب نادرست داده شود صحت ادعایش اثبات شود. این سؤالات همان است که با عنوان قصه اصحاب کهف در قرآن مطرح می‌شود. آنها در متن سؤال، به دهر اول، یعنی قبل از تاریخ بنی اسرائیل اشاره کردند، این یعنی زمانی بسیار قدیم. پس احتمال می‌رود که داستان اصحاب کهف با آنچه در دایرةالمعارف آمده تفاوت داشته باشد.

اساساً مطرح کردن این قضیه به این دلیل است که اعتبار قرآن را به عنوان یک کتاب وحیانی از میان ببرند.

اما ایجاد شبهات داخلی به این دلیل است که برداشت‌های ما از قرآن همگام با پیشرفت علوم جلو نرفته و با آن تطابق ندارد. مثالی در این رابطه می‌زنم که مربوط به مسئله آفرینش انسان می‌شود. در آیه شریفه می‌فرماید «خلق من ماء دافق. یخرج

من بین الصلب و الترائب» (طارق / ۶-۷). همه مفسران نوشته‌اند انسان از نطفه‌ای خلق می‌شود که از صلب مرد و استخوان‌های سینه زن حاصل می‌گردد.

اما اکنون مشخص شده که استخوان‌های سینه زن ربطی به نطفه ندارد و همین موضوع ایجاد شبهه کرده است. زیرا تفسیر ما از قرآن به گونه‌ای است که با علوم جدید تطابق ندارد. من پس از تحقیق راجع به این مسئله متوجه شدم که نصیر ابن مزاحم حدود هزار و دویست سال قبل می‌گوید ترائب، فقط استخوان سینه نیست. هر جفت استخوان که در بدن انسان است را ترائب می‌گویند. مثل مرافق که جمع مرفق است. لذا شامل استخوان‌های بالای عانه هم می‌شود.

پس منظور قرآن صلب مرد و ترائب خود مرد است. لذا به همین دلیل است که همواره تأکید می‌کنم تفسیر قرآن باید به صورت گروهی یعنی توسط هیئتی از متخصصین علوم مختلف صورت گیرد».

شیوه‌های پاسخگویی به شبهات

آیت‌الله معرفت در بخش پسین سخنان خود شیوه‌های گوناگون پاسخ به شبهات اعم از برخورد تکفیرآمیز و مرتدپنداری، مواجهه تحقیرآمیز و بالاخره پاسخ به دور از دشمنی و همراه با عطف و استدلال را مورد بررسی قرار داد.

باب دانش قرآن بر هیچکس بسته نیست. زیرا اصولاً قرآن برای هدایت بشر آمده است. معارف قرآن به گونه‌ای است که اگر فرد متعلق به هر گروه فکری و زبانی باشد، می‌تواند آن را بفهمد.

وی گفت: «کسی که سؤال دارد همانند فرد مریض می‌باشد. آیا می‌توان به مردم گفت نباید مریض شوید.

مردم علل و درد دارند و شبهه نیز یکی از آنهاست. طیب نباید فرد را به دلیل ابتلا به مرض شمتت کند بلکه باید به دنبال درمان او برود. به همین دلیل، کسی را که شبهه دارد نباید معاند پنداشت. گاه طلبه‌ها و دانشجویها به دلیل

برخوردهای نامناسب، شبهات خود را مطرح نمی‌کنند. وقتی کسی برای ارائه شبهه نزد من می‌آید به آرامی با او برخورد می‌کنم و حتی برای آن فروع دیگری نیز در نظر می‌گیرم تا مسئله بیشتر برایش روشن شود. با مثالی می‌توانم سیره ائمه در برخورد با شبهات را بیان کنم. در زمان امام حسن عسگری (ع)، ابویعقوب اسحاق کندی، فیلسوف مشهور مسلمان می‌زیست که، تفکرات الحادی داشت. در عین حال شاگردان فراوانی نیز داشت و او یک بار

به ذهنش رسید که تناقضات قرآن را جمع‌آوری کند. شش ماه درس خود را تعطیل کرد تا به این کار پردازد. یکی از شاگردان ایشان جزو اصحاب امام حسن عسگری (ع) بود. شاگرد امام این اقدام کندی را به اطلاع امام (ع) رساند.

حضرت خطاب به این صحابی گفت تا به استادش بگوید: آن کسی که قرآن کلام اوست، اگر بگوید آنچه که تو به عنوان اختلاف و تناقض می‌فهمی فقط برداشت تو است و من آن را قصد نکرده‌ام چه می‌کنی؟ کندی با شنیدن این کلام تکان دهنده، همه کاغذهایی را که در آن مدت جمع‌آوری کرده بود به آتش کشاند. این بود که حضرت امام حسن عسگری با این روش متین، یک شخصیت علمی را قانع کرد. همه شما احتجاجات امام رضا (ع) و امام صادق (ع) را دیده‌اید. لذا به کارگیری شیوه ائمه در برخورد با شبهات بسیار مفید است.»

مهم‌ترین شبهات قرآن

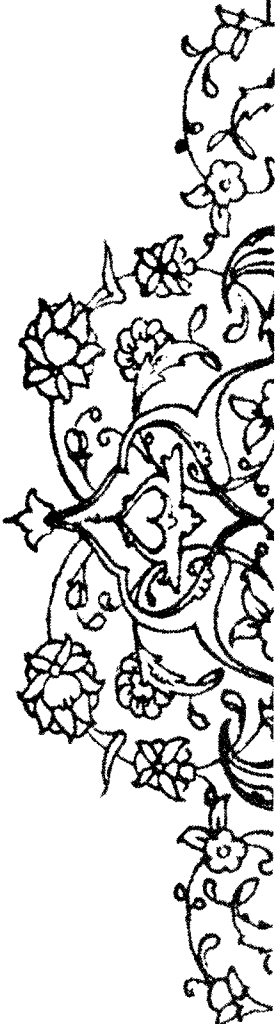
دکتر جعفر نکونام در ادامه این نشست با اشاره به موضوع شبهه‌های مهم قرآن گفت: «ما باور داریم که قرآن در اوج فصاحت و بلاغت است و باید متناسب با سطح درک مخاطبان سخن بگوید تا آنها مقاصد را درک کنند. در عین حال گفته می‌شود قرآن متشابهات، بطون و اعجاز علمی دارد و پاره‌ای از آیات آن برای مخاطبان قابل فهم نیست. در این مورد یا باید متخصصان به شبهات پاسخ دهند و یا دانش

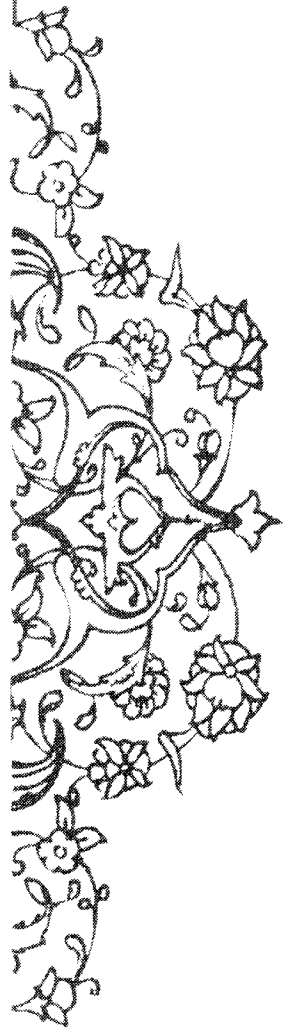
بشری آنچنان پیشرفت کند که توان فهم آیات را بیابند». آیت‌الله معرفت در پاسخ به این مسئله گفت: «باب دانش قرآن بر هیچکس بسته نیست. زیرا اصولاً قرآن برای هدایت بشر آمده است. معارف قرآن به گونه‌ای است که اگر فرد متعلق به هر گروه فکری و زبانی باشد، می‌تواند آن را بفهمد. «... و اذا تلیت علیهم آیاته و زادتهم ایماناً...» (انفال/۲).

اگر فهم نکند، چگونه بر ایمانش افزوده می‌شود. مخاطب «افلا یتدبرون القرآن» (نساء / ۸۲) کیست؟ لذا اساساً معنا ندارد که بگوییم باب علم قرآن بسته است. اگر ائمه احیاناً آیه‌ای را تفسیر کردند، به عنوان نمونه بوده و تنها می‌خواستند شیوه تفسیر را آموزش بدهند. نه آنکه تفسیر فقط آن چیزی است که من، به عنوان یک فرد، انجام می‌دهم. برخی از اوقات راجع به آیه‌ای از امام صادق (ع) سؤال می‌کردند امام می‌فرمود بروید آن را از ابن ابی لیلی - که از علمای غیرشیعی است - بپرسید. لذا اساساً ائمه مردم را به سوی رفتن به سراغ قرآن سوق می‌دادند.»

وی تصریح کرد: «این که بگوییم هیچ کس نمی‌تواند قرآن را بفهمد و کلیدش تنها در دست ائمه است صحیح نیست.»

این پژوهشگر برجسته علوم قرآن سپس به موضوع فصاحت و بلاغت قرآن اشاره کرد و گفت: «بلاغت به این معناست که سطح کلام به گونه‌ای باشد که مخاطب به آسانی با آن ارتباط برقرار کند. اما مخاطب قرآن کیست. ما معتقدیم مخاطب قرآن عامه مردم هستند. «ولقد یسرنا القرآن للذکر...» (قمر/۱۷). اما نکته‌ای در قرآن است که شاید در جای دیگر کمتر به چشم بخورد. قرآن در عین اینکه با عامه مردم سخن می‌گوید، اما به گونه‌ای است که خواص هم از آن بهره‌مند می‌شوند. معمولاً در سخنرانی‌های ما اگر سطح سخن پایین باشد، برای شنوندگان با سطح سواد بالا ملال‌آور است و اگر سطح آن بالا باشد افراد عامه چیزی از آن متوجه نمی‌شوند. ولی قرآن همانطور که خداوند هم تصریح کرده است مستمعانش را به قدر ظرفیتشان بهره‌مند می‌سازد و این هنر قرآن است. این مسئله را ابن رشد اندلسی هم در کتاب منهج القرآن فی الدعوة مورد اشاره قرار داده است. وی مثالی هم می‌زند و آن در مفهوم خداوند است. او می‌گوید درباره خداوند در قرآن آمده است که «الله نور».





نور چیزی است که برای عامه مردم قابل فهم است. قرآن در سخن از خداوند هرگز به مسائل سلبی اشاره نمی‌کند و نمی‌گوید خدا چه چیزی نیست. بلکه او را به عنوان نور معرفی می‌کند که واجد همه خصوصیات مثبت است. در عین حال، تعریف نور برای فلاسفه و دانشمندان هم بسیار قابل فهم است. زیرا نور بهترین محسوس است که می‌توان آن را به عالم نامحسوسات نسبت داد. از سویی هویت هر چیزی وابسته به نور است و بدون آن چیزی دیده نمی‌شود؛ اما وجود نور، وابسته به خود است. این نقطه اشتراک صفات نور و خداوند است».

آیت‌الله معرفت آنگاه با اشاره به موضوع اعجاز علمی قرآن تصریح کرد: «چنین چیزی به هیچ وجه در ابتدا مطرح نبوده است. تنها جنبه‌های معجزه‌ای قرآن، اعجاز کلامی و معرفتی آن بوده است. قرآن از لحاظ تشبیه و معارف، مسائلی را عنوان کرده که بشر آن روز به آنها دست نیافته بود. اگر قرآن چنان معارفی را مطرح نمی‌کرد، معلوم نبود که بشر بتواند تا ابد به آن دست یابد.

اعجاز علمی در سال‌های اخیر مطرح شده و آن هم اصطلاح ماست. یعنی در قرآن آیاتی هست که امروزه با پیشرفت علم، دانشمندان در می‌یابند که کلام قرآن نمی‌تواند گفته بشر آن روز بوده باشد».

در ادامه این بحث دکتر نکونام با اشاره به آیه «والشمس تجری لمستقر لهما...» (پس / ۳۸) مبنی بر حرکت خورشید گفت: «چنانچه بگوییم مردم عصر نزول این آیه را درک نمی‌کرده‌اند، با فصاحت و بلاغت قرآن تناقض دارد و اگر بگوییم آن را درک کرده و مفهوم آن را می‌فهمیدند، دیگر اعجاز علمی مطرح نمی‌باشد».

آیت‌الله معرفت در پاسخ به این مسئله گفت: «قرآن تفسیر حرکت خورشید را دارد. اما این باید صحیح تعبیر شود. عرب چون حرکت و جریان را به صورت همین معنای عمومی آن درک می‌کرده است، بر همان فهم هم تطبیق داده است. اما این نشان نمی‌دهد که مراد خداوند هم همین مفهوم عوام از حرکت بوده باشد. از سویی امروز کشف شده که خورشید به سوی ستاره بطحاه در حال حرکت است.

این هم تعبیر علمی است و باز قرآن تعبیر نکرده است. آن حرکتی که عرب آن روز در ذهن داشته حرکت دور زمین بوده و تعبیر علم امروز حرکت حلزونی و لولوی به سوی ستاره بطحاه است. نکته مهم و مقصود قرآن حرکت خورشید است. حال هرکسی می‌خواهد درباره چگونگی آن تعبیری داشته باشد بحث دیگری است. خداوند می‌خواهد با تذکر این مطلب که خورشید در حال حرکت است، یک نعمت را به بندگانش

متذکر شود».

آیت‌الله معرفت آنگاه در پاسخ به پرسش درباره آیت ناسخ و منسوخ در قرآن گفت: «اساساً در قرآن آیات ناسخ و منسوخ وجود ندارد. من در زمان حیات استادم، آقای خوبی با ایشان که چنین نظری داشتند مخالفت می‌کردم. اما اکنون با تحقیق و مطالعه فراوان دریافتم که اشتباه می‌کردم. این اندیشه امروز در جهان اسلام شدیداً مطرح شده است و کتاب‌های زیادی را دانشمندان مصری در این رابطه نوشته‌اند.

البته در بحث آیات منسوخه مباحثی وجود دارد که مربوط به نسخ مشروط است.

گاهی در برخی موقعیت‌ها دستوراتی داده شد که بعد با تغییر وضع، کاربردش را از دست داد. لذا اگر آن حالت دوباره بر گردد، آن حکم و آیه هم دوباره مجری خواهد بود.

برخی نسخ‌ها هم در قرآن مربوط به صحنه سازی است. مثلاً آیه نجوا درباره این نازل شد که برخی مزاحم نبی اکرم(ص) می‌شدند و همه مسائل ساده و ریز را از او می‌پرسیدند. دستور آمد هر کسی می‌خواهد از پیغمبر سؤال کند باید صدقه دهد. لذا مسلمین فهمیدند سؤال کردن از پیغمبر باید در مواردی باشد که سؤال دارای ارزش باشد. سیدقطب می‌گوید آیه بعدی که می‌آید و لزوم دادن صدقه را بر می‌دارد، ناسخ و منسوخ نیست بلکه برای ایجاد یک فرهنگ نزد مردم بوده است.

نسخ دیگر، نسخ تمهیدی است. اگر امری منکر آن قدر در زمان نزول قرآن دارای رواج و محبوبیت بوده که به آسانی نمی‌شد با آن مبارزه کرد، قرآن در ابتدا آرام با آن برخورد می‌کند. لذا نزول آیه تمهیدی برای نفی آن به شمار می‌رفته است.

مثلاً آیه کتک زدن زنان در قرآن، ناظر به این مسئله بود که این عمل کاملاً جا افتاده بود و رواج داشت. مسلم است که اسلام با آن مخالف بوده، پس ملزم بود برای نپهی آن به آرامی به پیش رود.

درباره برده‌داری هم قرآن چنین موضعی اتخاذ کرده است. یعنی حکم صریحی در رد آن نیامده اما سخنان نبی مکرم و دستورات قرآن به گونه‌ای است که عملاً برده‌داری به عنوان یک عمل بسیار زشت شمرده می‌شود. در هیچ کجای صدر اسلام مثالی نداریم که مسلمین اسرای جنگی را به بردگی گرفته باشند».

چگونگی پاسخ قرآن به مسائل روز، یکی دیگر از عناوین مورد بحث این جلسه بود که از سوی دکتر نکونام مطرح شد. آیت‌الله معرفت در این رابطه با طرح این سؤال که آیات

الاحکام قرآن مربوط به کدام آیات آن است تصریح کرد: «همه آیات قرآن دارای حکم است. البته اگر ما احکام را فقط شامل نماز، روزه، حج و طهارت و نجاست بدانیم فقط ۵۰۰ آیه دارای حکم هستند. در حالی که اساساً قرآن نیامده است راجع به عبادت بحث کند. اگر در قرآن این مسائل آمده فقط امر جانبی است. هدف قرآن ساختن یک جامعه سالم و سعادتمند است. قرآن می‌خواهد زیر بنای یک اجتماع سالم را پی‌ریزی کند.



هدف قرآن ساختن یک جامعه سالم و سعادتمند است. قرآن می‌خواهد زیر بنای یک اجتماع سالم را پی‌ریزی کند. لذا همه آیات قرآن دارای پیام اجتماعی و سیاسی است.

لذا همه آیات قرآن دارای پیام اجتماعی و سیاسی است. یعنی بیش از ۶۰۰۰ آیه قرآن همه‌اش آیات الاحکام است. اگر قرآن از موسی (ع) قصه‌ای یاد می‌کند و به موضوع شیوه تشکر او از خدا اشاره می‌کند، درسی جاودانه برای بشر امروز است. کلیم الله وقتی می‌خواهد سیاسگزاری کند می‌گوید «قال رب بما انعمت علی فلن اکون ظهیراً للمجرمین»

(قصص / ۱۷). یعنی خدایا شکرانه نعمتی که به من دادی این است که من هیچیک از آنها را در اختیار تبهکاران قرار ندهم. اگر دانشمندان امروز قدرت فکری خود را در اختیار افراد ظالم قرار نمی‌دادند آیا اوضاع امروز جهان چنین می‌شد؟ لذا قرآن در مسائل عبادی متعرض مسائل جزئی نشده است حتی درباره رکعات نماز هیچ گاه سخن نگفته، فقط کلیات را بیان کرده است.

از امام جعفر صادق (ع) پرسیدند چرا خداوند در ادامه آیه اطاعت از اولی الامر، اسامی ائمه را صراحتاً نگفته است. ایشان پاسخ دادند همانطور که شمار رکعات نماز را نگفته به این مسئله هم اشاره نکرده است.

همه مسائل مستحدثه با آن کلیات قابل پاسخگویی است».

عصمت انبیاء

آیت الله معرفت سپس در پاسخ به سؤال یکی از حضار مبنی بر نظریه عصمت انبیاء از سویی و تصریح به اشتباهات انبیاء در قرآن از سوی دیگر گفت: همانطور که می‌گویند حسنات الابرار سینات المقربین؛ لذا حسنه ما برای مقربین گناه است. مثال اینکه حضرت مریم (س) که همه وجود خود را وقف خداوند کرده و پروردگار او را برای خود منحصر کرده بود، وقتی بچه‌دار شد باید بخشی از وجودش را هم برای

کودک می‌گذاشت. لذا از جا برمی‌خیزد و برای غذا دادن به کودک شروع به تکان دادن درخت خرما می‌کند. همان مریمی که در نوجوانی خداوند غذای او را از غیب می‌داد اینک برای به دست آوردن غذا باید حرکت می‌کرد. لذا این کار که برای همه مباح است، برای مریم یک اشتباه محسوب است زیرا لحظه‌ای او را از تعلق به خدا جدا می‌کند.

نسبت دادن هر معصیتی به هریک از انبیاء نیز از این قبیل است.

در مورد حضرت یوسف هم که گاهی تشکیک می‌شود و عنوان «همت به» و «هم بها» را مطرح می‌کنند، آن «هم بها» به این صورت است که پس از آن «لولا» آورده است. «ولقد همت به و هم بها لولا ان رأی برهان ر به...» (یوسف / ۲۴). لذا آوردن «لولا» آن فعل اولی را منفی می‌کند. به این صورت چنین تعبیری صحیح نیست. او برهان خداوند را دیده بود و این عصمت ناشی از بینش عمیق او بوده است».

تحریف قرآن

مهم‌ترین دلایل اثبات عدم تحریف قرآن مبحث دیگری بود که در این جلسه مورد بررسی قرار گرفت. نویسنده کتاب التمهید در این رابطه تصریح کرد: «قرآن قابل تحریف نیست. هیچ کس نمی‌تواند در قرآن دست ببرد. علت آن هم این است که قرآن از روز اول در سطح وسیع منتشر شد و مورد عنایت همه افراد جامعه و در دسترس همه آنها بوده است. اگر تورات و سایر کتاب‌ها تحریف شد به دلیل اختصاص آن به طبقات خاص بوده است. از کتاب اوستا فقط ۲۵ نسخه به عدد مغان زرتشتی وجود داشت که با یک حمله اسکندر مقدونی از میان رفت. تورات تنها در اختیار اخبار یهودی بود و با یک حمله بخت‌النصر از میان رفت. پیغمبر اکرم (ص) با در نظر گرفتن این مسئله، از روز اول شروع به تکثیر نسخ قرآن کرد و آن را در اختیار همه قبایل قرار داد. پس از پیامبر این کار را صحابه هم ادامه دادند. لذا چه کسی می‌تواند آن را تحریف کند. اگر هم این کار را بکنند خیلی سریع مفتضح می‌شوند و همه خواهند فهمید.

در آیه «انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون» که سراسر آن واجد تأکید می‌باشد خداوند حفظ قرآن را بیمه کرده است.

